

### قوهی بینایی

اولی: «آیا به نظر تو هویج باعث تقویت قوهی بینایی می‌شود؟»  
دومی: «بله، چون تا حالا خرگوشی ندیده‌ام که عینک زده باشد!»



با هم بخندیم،  
به هم نخندیم

### عموم

اولی: «با عمومیت کجا می‌روی؟»  
دومی: «او را می‌برم فروشگاه محله‌مان؛ چون آن‌جا نوشته خرید برای عموم آزاد است!»

### نهایت ادب

دکتر: «بفرمایید بیماری شما چیست؟»  
بیمار: «هرچه شما صلاح بدانید.»

# زنده باد خنده

### اسب بخار

مردی در هوای سرد، اسبی را دید که از بینی‌اش بخار بیرون می‌آمد.  
با خود گفت: «فهمیدم، پس اسب بخار که می‌گویند، همین است!»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## روی خط sms

با ما تماس بگیرید

۰۹۱۲ - ۵۳۴۹۰۳۴

تهیه و تنظیم: علی خوش‌سرور

خوانندگان عزیز مجله!

از این پس می‌توانید پیام‌های کوتاه (sms) خود را که قابل چاپ باشند، برای ما بفرستید تا با نام یا بخشی از شماره‌ی خودتان در مجله چاپ شود. به بهترین پیام کوتاه، جوایز ارزنده‌ای تعلق خواهد گرفت.

وقتی که تو به دنیا اومدی، با این‌که هوا آفتابی بود، داشت بارون می‌اومد. می‌دونی چرا؟ چون فرشته‌ها به خاطر این‌که یکی از اونا کم شده بود، داشتن گریه می‌کردن. (۰۹۳۲۰۰۰۷۷۰۰)

اگه به روز شاد بودی، آروم بخند تا غم بیدار نشه و اگه به روز غمگین شدی، آروم گریه کن تا شادی ناامید نشه. «چارلی چاپلین» (۰۹۱۳۰۰۰۰۸۱۳)

زندگی، انتظار است؛ مرگ اجبار است؛ عشق یکبار است؛ جدایی دشوار است؛ فکر تو تکرار است. اگر رفتی، تو یادم کن. اگر ماندم، به مهر خود شادم کن. (۰۹۱۶۰۰۰۵۷۹۰)

می‌گویند شیشه‌ها بی‌احساسند؛ اما وقتی که روی شیشه‌ی بخارگرفته نوشتی «دوستت دارم»، به آرامی گریست. (۰۹۱۱۰۰۰۹۷۲۰)

اگه کسی بهت گفت: «اسکل»، ناراحت نشو. اسکل اسم پرنده‌ی است بسیار زیبا که تابستون دونه جمع می‌کنه، زمستون نمی‌تونه پیداش کنه. (۰۹۱۸۰۰۰۰۶۲۶)

آبی‌تر از آبییم که بی‌رنگ بمیریم. از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم. تقصیر کسی نیست که این‌گونه غریبیم. شاید خدا خواست که دلتنگ بمیریم. (۰۹۱۷۰۰۰۵۱۳۹)

جیرجیرک به خرس گفت: «دوستت دارم.» خرس گفت: «الآن وقت خواب زمستونه، بعد صحبت می‌کنیم. خرس رفت خوابید، ولی نمی‌دونست که عمر جیرجیرک فقط ۳روزه. (۰۹۱۸۰۰۰۷۹۸۹)

خواستم اسمتو بذارم گل، گفتم پژمرده می‌شی. بذارم بهار، گفتم خزان می‌شی. خواستم بذارم خورشید، گفتم ذوب می‌شی. بذارم ماه، گفتم روزها تنها می‌مونی. گذاشتم نفس که اگر بری و برنگردی، می‌میرم. (۰۹۱۴۰۰۰۳۹۱۱)

زندگی، شهد گل است. اگه زنبور زمان، آن را بخورد، آن‌چه می‌ماند، عسل خاطره‌هاست. (۰۹۱۷۰۰۰۹۸۸۵)

## در کلاس فیزیک

دبیر فیزیک: «اگر بخواهیم ساختمانی را سیم‌کشی کنیم و لامپ‌های اتاق را به‌طور انشعابی ببندیم، چه می‌کنیم؟»  
دانش آموز: «اجازه آقا! سیم‌کش می‌آوریم.»

## پر حرفی

اولی: «ببخشید با حرف‌هایم سر شما را درد آوردم.»  
دومی: «نه اختیار دارید. من حواسم جای دیگر است.»

## در کلاس فارسی

معلم: «ساعت را بخش کن!»  
دانش آموز: «اول سا دوم عت.»  
معلم: «صداشو بکش!»  
دانش آموز: «تیک تاک! تیک تاک!»

پسر: «پدر جان، من دیگه همه‌چیز را بلدم.»  
پدر: «از کجا می‌دونی؟»  
پسر: «آخه به‌روز معلم گفت من دیگه نمی‌تونم به تو چیزی یاد بدم.»

